

## تاثیر زبان و عناصر زبانی بر تبادل فرهنگی ملل

محمد فولادی<sup>۱</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۷

### چکیده

داد و ستد زبان‌ها یکی از مباحث مهم در زبان و ادبیات هر کشور و تعاملات فرهنگی ملل به شمار می‌آید. وام‌واژه‌هایی که در زبان‌های گوناگون جا به جا می‌گردد، تنها یک عنصر زبانی محض به شمار نمی‌رود بلکه واژه‌ها، ترکیب‌ها و نشانه‌های زبانی به همراه خود عناصر فرهنگی، اجتماعی زبان را نیز منتقل می‌کنند؛ گرچه این انتقال و تاثیرگذاری بسیار ظریف و نامحسوس و کند می‌نماید، ولی تاثیر آن بسیار واقعی و گاه پایدار است. زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌هایی که تا قرن‌ها، پس از زبان عربی، زبان دین و علوم اسلامی و انسانی به شمار می‌آمد و بسیاری از منابع و آثار و علومى مانند عرفان، کلام، فلسفه، طب، نجوم و جز آن به زبان فارسی گفته و نگاشته می‌شد؛ همان نکته‌ای که رهبر فرزانه بر آن تاکید دارد که زبان فارسی باید به زبان مرجع علمی دنیا تبدیل شود. در این مقاله سعی بر این بوده که با بررسی مباحث مطرح شده از سوی صاحب نظران و مقالات مهمی که موضوع تبادل فرهنگی ملل از طریق زبان و ادبیات فارسی را بر رسیده‌اند، برخی از نمودهای تاثیر زبان فارسی در زبان کشورهایمانند فرانسه، ایرلند، قزاقستان و جز آن واکاوی گردد. این بررسی نشان داد زبان فارسی بر دیگر زبانها تاثیر نهاده و واژه‌هایی از این زبان در زبان‌های دیگر راه یافته و آثار شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی، فردوسی، پروین اعتصامی و نیما به زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسوی، قزاقی، بوسنیایی، ایرلندی و لبنانی ترجمه شده و در تعامل فرهنگی و زبانی ملل موثر بوده است.

**کلید واژه‌ها:** زبان، فرهنگ، تعاملات زبانی، زبان فارسی، فرهنگ ملل

<sup>۱</sup>. E-mail: dr.mfoladi@gmail.com

زبان پارسی و فرهنگ ایران زمین چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام مورد توجه بسیاری از ملل بوده است. ایران که خاستگاه فرهنگ و تمدن ریشه دار و تاثیر گذاری بوده، پس از ورود اسلام و افزوده شدن شاخصه‌های اسلامی به این فرهنگ انسانی و ارزشی، از فربهی بیشتری برخوردار شد و در قلمرو زبان فارسی، بر کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی نیز تاثیر نهاد و مورد توجه ملل و زبان‌های گوناگون قرار گرفت. این موضوع باعث شد که از طرق مختلف بویژه از منظر زبان و عنصر زبانی بر تبادل فرهنگی ملل تاثیر گذار باشد. گرچه تاثیر و اثر جزو ذات فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و زبان‌های پویا و زنده جهان است، اما هر زبان و فرهنگی که ریشه دارتر و از نظر پیام‌های انسانی حرفی برای گفتن در جهان داشته باشد، تاثیر بیشتری بر دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها خواهد نهاد. زبان فارسی که از یک سو در بر دارنده پیام‌های انسانی و اخلاقی ایران است و از سوی دیگر با پیوند به اسلام از غنای خاصی برخوردار شده است، به وسیله شاهکارهای ادبی و عناصر زبانی توانسته جای پای خود را در زبان و فرهنگ ملل باز کند. در این مقاله به برخی از این تاثیرات از طریق شاعران صاحب نام مانند فردوسی، سعدی و حافظ و نیز نفوذ زبانی و واژگانی در برخی زبان‌ها اشاره خواهد شد و با بهره‌گیری از تحقیقاتی که در زمینه‌های گوناگون توسط محققین هر رشته انجام شده، برخی زوایای این موضوع واکاوی و بیان خواهد شد.

## ۱- بررسی تطبیقی شاهنامه فردوسی و آثار آباي شاعر

### حماسه سرای قزاقستانی

یکی از آثار ادبی و حماسی ماندگار فارسی، شاهنامه فردوسی است، این شاهکار ادبی علاوه بر ایران و قلمرو فارسی در سایر نقاط جهان نیز شناخته شده است و جزء پنج حماسه برتر جهان در کنار ایللیاد اودیسه و مهابهاراتا و رامایانای هندی قرار دارد. از جمله کشورهایی که شاهنامه بر آن اثر نهاده است، قزاقستان است و این اثر بزرگ فردوسی بر ادبیات قزاقی نیز تاثیر گذاشته است. برخی نویسندگان قزاق، مضامین شاهنامه و نیز بخشی از خود داستانشا و حتی

شکل آنها را تقلید و چیزهای جدیدی بر آن اضافه کرده‌اند. برخی به سرودن رستم نامه‌ها و شاهنامه‌های مثنوی پرداخته‌اند، زیرا روح و نقش شجاعت‌های قهرمانان شاهنامه به آثار حماسی و سنت‌های شعری مردم قزاق شباهت دارد. از این رو حکایت‌های روایی و مکتوب شاهنامه در میان قزاقها مشهور و شناخته شده است.

بولاتیک باتیرخان، نویسنده و محقق قزاقی این موضوع را کاویده و ضمن بررسی فردوسی و آلیامیس مطالب خوبی را بیان کرده است. قهرمان قزاق، آلیامیس، مثل رستم برای حفظ سرزمین خود به مبارزه برمی‌خیزد و هدف از سرودن هر دو شاعر ادبی و حماسی شاهنامه و آلیامیس، برانگیختن غرور ملی است، تا از این طریق کشور را در مقابل دشمنان حفظ کنند. در بین قزاق‌ها اولین کسی که به فرهنگ شرق به معنای وسیع، توجه داشته آبای بوده است.

فردوسی در قرن دهم میلادی و آبای در قرن نوزدهم متولد شده است، وی اسکندر ذوالقرنین را در سرزمین خود ترقی داد و سرود. زندگی نامه فردوسی قرن‌هاست که به یک اسطوره تبدیل شده و آبای یک قرن پیش مردم سرزمینش را با اشعار زیبایش متحیر کرده است. وی فردوسی را استاد خویش دانسته است:

فضولی، شمسی، صیقعلی / نوایی، سعدی، فردوسی / خواجه حافظ، همگی / مدد ده،  
یا شاعران، فریاد! (دیوان آبای، ۱۰)

بین شاهنامه فردوسی و آثار آبای شباهت‌های فکری زیادی وجود دارد. آبای با ترجمه‌های منظوم و مثنوی شاهنامه به زبانهای ترکی آشنایی داشته است و مضامین خیر و شر و خوبی و بدی را نیز از همین منابع گرفته است.

آبای آزمندی انسان‌ها و گذر سریع عمر، روسیاهی فرد، بی‌حیایی بی‌ایمانی، زشتی فخر فروشی و فریفته شدن به گفته‌های زیر دستان و ژاژ خودستایی را در پایان این داستان (اسکندر نامه) گوشزد کرده است.

همانگونه که در شاهنامه آزمندی اسکندر، نکوهش و جهان هستی از زندگان و مردگان، مرغان و درختان و حتی موجودات بی‌جان چون چشمه و کوه همه بر آزمندی وی شورش آورده‌اند، تا آزمندی وی را نکوهش و او را از سرانجام تلخ این صفت مهلک با خبر کنند. در



داستان اسکندرنامهٔ آبای هم مهمترین بخش و محور اصلی همان نکوهش آزمندی اسکندر است.

همانگونه که در شاهنامه در پنجاهای حکیمانهٔ برهمن به اسکندر می‌خوانیم.

پرسید خود گوهر از بهر چیست؟ کش از بهر بیشی بیاید گریست  
چنین داد پاسخ که آز و نیاز دو دیونه بیچاره و دیو ساز  
یکی را ز کمی شده خشک لب یکی از فزونی است بی خواب شب  
(ر.ک: حمیدیان: ج ۷: ۶۶، ۶۷)

ظاهراً چشمه‌ای هم که اسکندر در اسکندر نامه آبای، سر و تن را در آن می‌شوید و قصد رسیدن به سرچشمه آن را می‌کند برگرفته از همان «آب حیوان» شاهنامه است. در داستان اسکندر آبای، ماجرای دروازه طلایی و ارسطو و دستمال و... را خود آبای به اصل داستان افزوده است.

داستان ((مسعود)) آبای نیز که بر چهار محور است:

- ۱- یاری رساندن به مظلومان ستمدیده
  - ۲- ارتباط با عالم بالا به واسطه حضور خضر در داستان
  - ۳- توجه به کثرت زنان و تأثیر آنان در کارهای مردان
  - ۴- خواب و ارتباط آن با عالم بالا و حقایق
- و این داستان و موضوعات منعکس شده در آن می‌تواند اندیشه‌های فردوسی را در شاهنامه برای خواننده متجلی و تداعی کند. (برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: باتیرخان، ۱۳۹۰: ۱۴۱ و نیز: کمال الدینی، ۱۳۹۶: ۱۱۵)

## ۲- بررسی تطبیقی اندیشه‌های سعدی شیرازی و جان دان شاعر انگلیسی

سعدی شاعر اندیشمند، صاحب سبک و تاثیر گذار قرن هفتم هجری قمری است. او علاوه بر نقش موثری که در استاندارد سازی زبان فارسی دارد و نظم و نثر او معیار فصاحت و بلاغت شمرده می‌شود و غزلیات، قصاید و گلستان و بوستان او مورد تقلید و اقتفای بسیاری از

ادیبان معاصر و پس از او قرار گرفته است، در بیرون از مرزهای ایران و قلمرو زبان پارسی نیز تاثیر گذار بوده است و ادیبان، شاعران و اندیشمندان بسیاری در جهان به شعر و اندیشه بلند او توجه کرده اند. یکی از این اندیشمندان و شاعران نامدار، «جان دان» شاعر بزرگ انگلیسی است.

خانم طاهره حسنی این دو شاعر بزرگ را با هم مقایسه و تاثیر پذیری جان دان از سعدی را به خوبی بیان کرده است. وی بر این باور است که اندیشه‌های سعدی را چند قرن بعد در آثار جان دان، شاعر انگلیسی می‌توانیم به شکل دیگری مشاهده کنیم.

جان دان (John Donne-۱۵۷۲-۱۶۳۱م) شاعر قرن هفدهم میلادی، عصری که رنسانس شکل گرفته بوده، است. در این دوره عرفان، فلسفه و ماوراءالطبیعه وارد شعر اروپا شد و از طریق مباحث مذهبی با شعر در آمیخت.

یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: «از نظر گروهی از سخن سنجان آنچه که ذوق ایجاد می‌کند، اگر با فلسفه و عقل سلیم در آمیزد، شایستگی عنوان شعر خواهد داشت، جان دان پیشوای این طبقه، در اشعار خویش همین ترکیب را به کار برد». (صورتگر، ۱۳۷۳، ۴۷۳) محقق دیگری در باره سعدی بر آن باور است که: «سعدی از شاعران قرن هفتم هجری قمری و سبک عراقی است. دو مشخصه مهم این سبک، نفوذ عرفان و رواج غزل است. سعدی هم شاعری صاحب سبک و هم رهبر جریانی شعری است. اندیشه و گفتار سعدی در مسائل اخلاقی و اجتماعی بر اساس تعلیماتی نهاده شده که در شش قرن اول هجری از راه آمیزش فرهنگ اسلامی و ایرانی حاصل شد.» (صفا، ۱۳۷۸، ۱۱)

سعدی و جان دان را می‌توان از شاعران تأثیر گذار به شمار آورد. جان دان در یکی از مقالاتش می‌گوید: «وقتی کسی می‌میرد، زنگ کلیسا به صدا در می‌آید، اما این زنگ برای او نیست، برای زنده‌هاست. این زنگ برای کسی به صدا در می‌آید که آن قدر بیمار است که نمی‌تواند بشنود زنگ برای اوست. پس زنگ برای افراد سالم کارایی بیشتری دارد، ولی این انسانها از صدای زنگ نا آگاه هستند و از دیدن اطرافیان و اتفاقاتی که برای آنها رخ می‌دهد متوجه این غفلت می‌شوند. (Meditation xv11 ژرف اندیشی شماره ۱۷).



جان دان در جای دیگر می گوید: ((اما چه کسی می تواند به صدای زنگی که از گذشت یک قسمتی از خویش از جهان خبر دارد، گوش فرا ندهد)). (دان، ۲۰۰۹: ۲۳۲)

او همچنان معتقد است: «وقتی بچه‌ای غسل تعمید داده می شود به پیکره‌ای پیوند داده می شود که هر کدام از ما عضوی از آن هستیم». (همان: ۲۳۱)

جان دان جامعه بشری را به کتابی تشبیه کرده که به زبانهای مختلف ترجمه شده است و وقتی یک برگ از آن کنده می شود، در واقع کل کتاب آسیب می بیند، جامعه بشری نیز همین گونه است: وقتی کسی می میرد تمام جامعه بشری آسیب دیده است، چون همه انسانها با زبانها و نژادهای مختلف به یک پیکر تعلق دارند.

سعدی شاعر بزرگی که چند قرن قبل از جان دان می زیسته، اشعاری با این مضامین سروده است.

بنی آدم اعضای یک پیکرند      که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی غمی      نشاید که نامت نهند آدمی  
(سعدی، ۱۳۸۲، ۱۲)

که البته برگرفته از روایت نبوی است: مثل المومنین فی توادهم و تراحمهم وتعاطفهم  
مثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى. (یوسفی: ۱۳۷۷: ۲۶۴)

و نیز رسایل بولس طرسوسی مروج دین عیسوی

چو بیند کسی زهر در کام خلق      کی اش بگذرد آب نوشین به حلق  
خنک آن که آسایش مرد و زن      گزیند بر آسایش خویشتن  
(همان، ۱۵۰)

من از بینوایی نیم روی زرد      غم بینوایان رخم زرد کرد  
نخواهد که بیند خردمند ریش      نه بر عضو مردم، نه بر عضو خویش  
(همان، ۱۵۰)

از این روی است که پژوهشگر نامداری مانند یان رپیکا در باره سعدی این گونه می نویسد:

عناصر اجتماعی، اخلاقی و تعلیمی در شعر سعدی موج می زند. (رپیکا، ۱۳۸۳، ۹۶)

طریقت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلوق نیست

(همان، ۱۵۱)

نمود اندیشه‌های سعدی و جان دان را در حوادثی مثل: سیل، زلزله، جنگ، آتشفشان و... می‌توان دید، این حوادث در هر کجای جهان رخ دهد، تمام انسان‌های آزاده را متأثر می‌کند و حس یاری به مصیبت دیدگان را در آنها بر می‌انگیزد.

سعدی و جان دان به سبب اندیشه‌های بشر دوستانه از چهره‌های جهانی‌اند. هر دو الهام بخش شاعران و نویسندگان عصر خود و پس از آن بوده‌اند.

سر ادوین آرنولد (Sir Edwin Arnold ۱۸۳۲-۱۹۰۴) شاعر انگلیسی، سعدی را هم متعلق به جهان قدیم و هم متعلق به جهان جدید دانسته، او مترجم منتخباتی از گلستان است و سعدی را دوست، مشاور و راهنمای همگان می‌داند. (کازرونی، ۱۳۸۴، ۸)

امرسون (Emerson) نویسنده آمریکایی قرن نوزدهم، خطاب به سعدی می‌گوید: « سعدی! سخنان تو به دورجاها خواهد رسید. در شعر تو خورشید طلوع و غروب می‌کند.» او معتقد است که دستورهای اخلاقی گلستان، قوانین بین‌المللی و عمومی‌اند.

نگاه سعدی و جان دان به مرگ:

جان دان در غزلی روحانی، مرگ را پایان زندگی نمی‌داند و به جاودانگی پس از مرگ معتقد است:

حتی می‌گوید: «ای مرگ، گر چه برخی تو را مقتدر و سهمناک نامیده‌اند؛ به خود غرّه مباش، چرا که چنین نیستی، زیرا ای مرگ بی‌نوا، آنان که گمان می‌بری سرنگونشان می‌سازی، نمی‌میرند و مرا نیز نمی‌توانی کشت. از آسایش و خواب که جزء عکس‌های تو نیستند، لذت بسیار حاصل می‌آید؛ پس، از تو خودت لذت بس فزون‌تری عاید می‌گردد. «پس چرا مغروری؟ خواب کوتاهی هستی که چون به سر آمد، تا ابد بیداری؛ و دیگر مرگی در میان نخواهد بود: آری ای مرگ خواهی مرد.» (دان ۱۳۸۱، ۶۱)

سعدی دنیا را پلی بر گذر آخرت می‌داند که اهل تمیز بر این پل خانه نمی‌گیرند. او حیات ابدی پس از مرگ را تأیید می‌کند.

به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن از نیست هست.



دگر ره به کتم عدم در برد وزان جا به صحرای محشر برد.

(سعدی ۱۳۸۲، ۱۳۲)

اغتنام وقت، فرصت شماری، روابط بین انسانها، سیر انسان به سوی تکامل از جمله مضامین مشترک بین سعدی و جان دان است.

در عین حال بین سعدی و جان دان تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱ - جنبه عرفانی در اشعار جان دان بیشتر جلوه گر است و پیروان جان دان او را شاعر متافیزیک دانسته‌اند که با یک تحول روحی به عرفان روی آورد.

۲ - سعدی شاعر بذله گو و طنز پرداز است اما جان دان زبانش تند و سخت است و بویژه در هجویاتش زبانی گزنده و صریح دارد.

۳ - سعدی در تنظیم اندیشه‌اش بسیار منسجم و با مهارت عمل می‌کند و نثری برجسته دارد.

آثار جان دان عبارتند از: ترانه‌ها و غزلیات، اشعار ربانی، هجوها، سروده‌های عاشقانه، ترانه‌هایی در باب عروسی، نامه‌های منظوم، مرثیه‌ها، شعری طولانی موسوم به ترقی روح و نیز مقالات او. (برای اطلاع بیشتر. ر.ک: حسنی، ۱۳۹۰: ۳۴۷ و نیز: توحیدی فر، ۱۳۹۷: ۹ و دهقان: ۱۳۹۰: ۲۰)

### ۳- کاربرد تمثیل و عوامل فرهنگی در شعر معاصر فارسی

در شعر معاصر از گونه‌های تمثیل استفاده فراوانی شده است. این نوع تمثیل‌ها را: Allegories تمثیل‌های رمزی می‌نامند. این تمثیل‌ها در قالب افسانه‌ها، حکایت‌ها، داستان‌ها و نمایشنامه‌های تمثیلی در شعر شاعران معاصر فارسی نمود پیدا کرده‌است. برخی از این تمثیلهای بازتاب یافته در شعر معاصر ریشه در باورها، آداب و رسوم و مضامین شعر و ادب کهن بویژه آثار تمثیلی کهن مانند کلیله و دمنه و مرزبان نام و جز آن دارد. برخی نیز به دلیل ارتباط فرهنگی ایران دوره معاصر با جهان خارج و اروپا، تحت تاثیر آشنایی با زبانهای اروپایی و ترجمه آثار و اشعار خارجی است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره خواهد شد.



ایرج میرزا در سرودن شعر هدیه عاشق، به ترجمه فارسی قطعه شعری از شیلر آلمانی نظر داشته است. اما افسانه های شیر و موش، کلاغ و روباه، دو صیاد، را احتمالاً از روی متن اصلی فابل های لافوتن به نظم کشیده است. (آرین پور، ۱۳۷۶، ۴۱۴)

برخی از قطعات پروین اعتصامی همچون: ارزش گوهر، بلبل و مور، جولای خدا، دریای نور، رفوی وقت و یاد یاران به ترتیب شبیه آواز زیر یا متاثر از آنهاست: خروس و گوهر ازوپ یا خروس و مروارید لافوتن، زنجره و مورچه ازوپ و لافوتن، عزم و نشاط عنکبوت نوشته آرتور بریزبان مقاله نویس آمریکایی، نغمه پیراهن از نویسنده ای ناشناس و به یک مومیایی... اثر هوراشیو اسمیث، شاعر انگلیسی گرفته شده است. (یوسفی، ۱۳۸۳، ۴۱۷ - ۴۱۸).

مثنوی تمثیلی «عقاب» اثرخانلری نیز ترجمه یا اقتباسی منظوم از «دختر سروان» پوشکین است. (زرین کوب، ۱۳۸۱، ۲۳۹)

شهریار نیز در سرودن قطعه «کودک و خزان» از داستان «آخرین برگ» نوشته ا. هنری. نویسنده مشهور آمریکایی الهام گرفته است. (درویدیان، ۱۳۶۹، ۴۷-۵۰)

منظومه «مانلی» نیما یوشیج شباهت زیادی با قصه ای ژاپنی با نام «اوراشیما» دارد که صادق هدایت آن را ترجمه کرده و در دی ماه ۱۳۲۳ شمسی در مجله سخن به چاپ رسانیده است. (فلکی، ۱۳۷۳، ۳۲-۳۱). البته برخی هم معتقدند که این اثر نیما اقتباس از اثر داستان پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی است (حمیدیان، ۱۳۸۱، ۲۳۸-۲۳۹).

شعر «نشانی» سهراب سپهری نیز بی شباهت به قطعه «ارتباطات» بودلر نیست (براهنی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۸۵-۲۸۶). بدین ترتیب بسیاری از آثار تمثیلی شاعران و نویسندگان غرب در شعر معاصر نفوذ کرده است. برخی اشعار نظیر منظومه «سرزمین بی حاصل» سروده تی. اس. الیوت، تأثیر بیشتری بر شعر نو (بویژه شعر دهه ۳۰ و ۴۰) داشته است.

پس از عصر رنسانس به تدریج ارتباطات فرهنگی ملل افزایش یافت و کشورها دامنه این ارتباطات را گسترش دادند. در ایران در زمان صفویه و قاجاریه ارتباط فرهنگی با کشورهای دیگر گسترش یافت. مجله ادبی بهار و انتشار ترجمه شعرهای اروپایی، مجله دانشکده، ایران



شهر، کاوه، پارس، سخن، فرهنگ و ادب، در ارتباط فرهنگی و ادبی در شعر معاصر مؤثر بوده‌اند. (برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: شامیان ساروکلاهی، ۱۳۹۰: ۷۱۵)

ملک‌الشعرا بهار، شعر «رنج و گنج» را از روی ترجمه فارسی یکی از فابل‌های لافوتتن با نام «دهقان و فرزندانش» به نظم درآورده است (کریمی حکاک، ۸-۱۶).

#### ۴- فرهنگ و ادب فارسی و تاثیر آن بر ادبیات فرانسه

در عصر کلاسیسیم در قرن هفدهم تا عصر رمانتیسم در قرن نوزدهم، فرهنگ و ادبیات ایران در ادبیات فرانسه حضوری درخشان و سازنده داشته است. در این میان یکی از منابع مهم و پر جاذبه ادبیات تطبیقی سفرنامه‌ها یا ادبیات سیاحتی است که بیشترین سهم را در شناخت نسبی فرهنگ و تمدن، آداب و رسوم شرق و مغرب زمین داشته داست.

عده‌ای از سیاحان فرانسوی، از جمله تونو، تاورنیه و شاردن، مشاهدات خود را در قالب سفرنامه‌هایی به رشته تحریر در آورده‌اند و باعث شدند بستری برای آشنایی فرانسویان با ادبیات ایران را فراهم کند. به طوری که بازتاب ادبی آن در فرانسه و به تبع آن در اروپا زمینه ساز رنسانس شرقی و آشنایی آنان با ادبیات ایران شد. رویدادهایی بزرگی چون ترجمه گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، مورد توجه عام قرار گرفت و در محافل ادبی نیز بزرگترین نویسندگان فرانسه را شیفته خود کرد.

ایران این سرزمین کهنسال از دیر باز کانون ذوق، فکر، هنر و منبع بزرگ الهام برای هنرمندان و متفکران جهان بوده است. از قدیم‌ترین آثار ادبی عهد باستان، کتاب‌های مقدس یهودی، هندی و مسیحی گرفته تا به امروز، بزرگترین شاعران، بزرگترین نویسندگان، بزرگ‌ترین هنرمندان و متفکران جهان بیش یا کم از ادب و هنر و فکر ایرانی الهام گرفته‌اند. چندین اثر دراماتیک عالی کرنی، راسین و ولتر در فرانسه، مارلو در انگلستان و چندین اثر شاعرانه مثل لاله رخ توماس مور، رستم و سهراب ماتیو آرنولد در انگلستان، دیوان شرقی گوته، کورش کبیر مادلن دواسکوردی، نامه‌های ایرانی موتسکیو و به سوی اصفهان پیر لوتی در فرانسه نمونه‌هایی از این شاهکارهای بدیع ذوق و هنر بشری، انعکاسی از فروغ جاودانی ایران در آیینه‌های مختلف است.

بزرگترین منابع الهام، چهار شخصیت جاودانی تاریخ ایران، فردوسی، خیام، سعدی و حافظ اند، به طوری که بازتاب ادبی آن در فرانسه و به طبع آن در اروپا زمینه ساز وقوع رنسانس شرقی و آشنایی با ادبیات ایران شد و بزرگترین نویسندگان فرانسه را مجذوب خود کرد.

تأسیس مدرسه زبان‌های شرقی در سال ۱۷۹۵ توسط لویی لانگلس (Langles) که با ارائه لایحه‌ای به مجلس مجوز آن را دریافت کرد. وی خلاصه‌ای از شاهنامه فردوسی را به فارسی برگرداند (۱۷۸۸) و شرح مبسوطی در وصف سعدی و ترجمه‌های گلستان ارایه داد. همچنین سیلوستر دوساسی (Silvester desacy) در آموزش زبان فارسی و گسترش ایران شناسی نقش مؤثری داشته است.

لئونارد دو سزی (Leonard de Chazy) مترجم لیلی و مجنون جامی در سال ۱۸۰۷، ژول مل مترجم شاهنامه فردوسی ۱۸۲۲، گارسن دو تاسی (Garcin de Tassy) استاد ادبیات فارسی، عربی و اردو مترجم منطق الطیر و بخشی از بوستان سعدی، شارل شفرد (Charles Schefer) مؤلف برگزیده متون فارسی و سفرنامه ناصر خسرو و تاریخ ادبیات ایران (۱۸۵۷)، دوفرمری (Defremery) (۱۸۵۸)، ترجمه بوستان و گلستان، و کسانی مانند هانری ماسه، ژیلبرت لازار، فوشه کور و دیگر محققان در انتقال فرهنگ و ادب فارسی به فرانسه تأثیر به سزایی داشته‌اند.

دستاورد چهار قرن آشنایی فرانسویان با ادبیات فارسی، خلق داستانهایی اخلاقی و اجتماعی در قرن هفدهم و هجدهم، اشعار حماسی و تغزلی در قرن نوزدهم و سروده‌های فلسفی و عرفانی در قرن بیستم است. (برای اطلاع بیشتر. ر.ک: شیخ فرشی، ۱۳۹۰: ۷۴۹)

## ۵- بوسنی و زبان فارسی

بوسنی در عصر رومیان از مناطق پر اهمیت امپراتوری رم محسوب می‌شد. معدن غنی طلا، نقره و آهن، نیروی عظیم کاری و همینطور نیروی نظامی و انتظامی برای حفاظت از معادن، دستگاہ‌های متالوژی و مقر گمرکی را می‌طلبیدند. در ساختار این نیروی انسانی،



تعدادی زیادی از مردمان مشرق زمین نیز حضور داشته اند که حضورشان را کتیبه‌های متعددی که در مناطق مختلف بوسنی کشف شده‌اند تأیید می‌کند (PaSalic, 1960:96). حضور شرقیان در این مناطق زمینه‌های بسیار مناسبی را برای آشنایی مردم بومی با آثار فرهنگ شرق به وجود آورد. از بین موضوعات مختلف، عقاید دینی پایدارترین اثر را از خود بر جا گذاشت و فرقه خدای ایرانیان قدیم - میترا در این میان جایگاه خاصی داشت. بعضی از آثار پیروان دین میترا در بوسنی و هرزگوین از عتیقه‌های جهانی به شمار می‌روند.

میترائیسم در زمانی به سرزمین بوسنی و هرزگوین نفوذ کرد که مسیحیت نیز اولین پیروان خود را پیدا کرد. ([www.bosona.com/historija/bogu\\_mili/](http://www.bosona.com/historija/bogu_mili/)) همچنین تأثیر دین مانوی نیز در هرزگوین قابل توجه است.

اکثر محققان و مورّخان معتقدند بوگومیل‌ها بعد از ورود عثمانیان به بوسنی به طور دسته جمعی به دین مبین اسلام گرویدند. ورود درویشان طریقت صوفیانه مولویه از همین طریق وارد بوسنی شد و افکار مولانا جلال الدین شاعر بزرگ پارسی زبان و ترجمه و تشریح مثنوی معنوی رواج داشت.

مدارک نشان می‌دهد که درویشان طرق مختلف صوفیه به نوعی درگسترش زبان و ادبیات فارسی در سرزمین بوسنی و هرزگوین نقش مهمی داشته‌اند. همین عوامل سبب تأثیر پذیری زبان بوسنی از زبان فارسی شده است.

با مراجعه به لغت‌نامه‌های موجود در زبان بوسنی، به این نتیجه رسیده‌اند که در حال حاضر بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ کلمه فارسی در زبان بوسنی به کار می‌رود.

علاوه بر آن، بسیاری نام‌ها و نام‌های خانوادگی، اسامی مکانها، ریشه فارسی دارند. زبان فارسی نیز درس اجباری در مدارس بوسنی، قرن بیستم بوده است.

همزمان در خانقاه‌ها توسط دراویش مولویه گسترش می‌یافت. در همین فرایند، کلمات شرقی گسترش یافت و جای خود را در کلام مکتوب نیز پیدا کرد.

واژه‌های فارسی نه تنها در زبان بوسنی حضور گسترده‌ای یافتند، در زبان‌های صربی و کرواتی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

حدود (۶۷۰) کلمه مربوط به زندگی، دین و رسوم دینی مسلمانان به کار رفته است. مواردی مانند اسم‌های شخصی (۵۰۳) حقوق اداره و نظام حکومتی (۴۵۳) پزشکی و بهداشت (۹۹) و جز آن در این زبان به کار رفته است. (ر.ک: ۲۶-۲۵: Skaljic, ۱۹۶۶)

در سروده های حماسی و غنایی بوسنیایی نیز کلمات فارسی به کار رفته است، کلماتی مانند: aferim (آفرین)، baksis (بخشش)، bulbul (بلبل)، cesma (چشمه)، muhur (مهر)، mum (موم)

وجود نام‌های فارسی گل‌ها، میوه‌ها و سبزیجات نیز در زبان بوسنیایی نیز جالب توجه است. مانند زردالو (zerdelija)، سمبل، شب بوی، زرین قدح، نرگس، یاسمن، ارغوان، بنفشه، انار، توت، و ...

اسامی خاص مانند بهرام، فرهاد، فیروز، گلسا، آرزو، بهاره، مهرنسا، میترا و مینا و جز آن نیز در این زبان از زبان فارسی داخل شده است. (Adem, ۱۹۷۵: ۳۷۶-۳۸۶)

(برای اطلاع بیشتر ر.ک: موسیج، ۱۳۹۰: ۱۰۹۳ و نیز: نقش مثنوی و طریقت مولویه در ترویج زبان و ادبیات فارسی در بوسنی، دکتر سداد دیزداریوچ)

## ۶- رستم و سهراب فردوسی و کوهلین ویلیام باتلر ایرلندی

ویلیام باتلر، شاعر و نمایشنامه نویس ایرلندی (۱۸۶۰-۱۹۳۹) و برنده جایزه نوبل ادبی در سال ۱۹۲۳، در نوشتن نمایشنامه کوهلین، طرح این نمایشنامه را از داستان رستم و سهراب فردوسی گرفته است. شاهنامه گنجینه حکیم ابوالقاسم فردوسی از برجسته‌ترین و با شکوه‌ترین حماسه‌های جهان محسوب می‌شود که در محدوده زمانی و مکانی خاصی محصور نیست. در نگاه اول به نظر می‌رسد نویسندگان، شاهنامه را دست مایه کار خود قرار داده‌اند و برداشتی آزاد از بعضی قسمت‌های آن کرده‌اند.

داستان فریدون و فرزندان‌ش منطبق بر مضمون و ساختار داستانی نمایشنامه شاه لیر شکسپیر است. اسفندیار روین تن با آشیل یونانی و زیگفرید آلمانی مطابقت دارد. سرگذشت پورکشی رستم کاملاً مشابه فرزند کشی پاریس در تروا و همچنین کوهلین در نمایشنامه کوهلین است.



داستان ماجرای سودابه با فدر تطبیق پذیر است و نمونه‌های بیشمار دیگری که این موضوع در آنها دیده می‌شود.

خلاصه‌نمایشنامه کوهولین:

« یک بامداد جوان ناشناس به شهر آمده و پهلوان بزرگ شهر، کوهولین را به مبارزه و جنگ تن به تن می‌خواند. وی از ساکنان کشور ملکه‌اویفه (Aoife) است. اویفه زنی زیباست که زمانی همسر کوهولین بوده است. کوهولین، پس از مدتی کوتاه، او را ترک گفته و اویفه از او (پسری) آستن شده است. باری، کوهولین، که شباهت فراوانی میان این جنگجوی جوان و اویفه می‌بیند، از جنگیدن با او روی می‌گرداند و او را به دوستی می‌خواند. کوهولین در خدمت شاه حيله‌گر و مزور به سر می‌برد؛ این شاه تبه‌کار، او را به جنگ با رزمجوی جوان برمی‌انگیزاند و کشتن او را خواستار می‌گردد. کوهولین در این جنگ ناخواسته شرکت جسته و جوان را به قتل می‌رساند؛ اما هنگامی که در می‌یابد این جوان، پسر اوست، به دریا رفته و خود را به موج می‌سپارد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۵۵).»

داستان رستم و سهراب در هیچ منبع مدون عربی و فارسی قبل از شاهنامه نیست و شاهنامه تنها منبعی است که این داستان را آورده است. همسانی و همگرایی‌های داستان رستم و سهراب و کوهولین بیانگر این است که ویلیام باتلر پلات اصلی داستان خود را از شاهنامه گرفته است و به آن رنگ و لعاب بومی داده است، گرچه در جزئیات با هم تفاوت بسیاری داشته باشند. (برای اطلاع بیشتر. ر.ک: اکرمی، ۱۳۹۰: ۱۱۵۱ و نیز: پورجعفر، ۱۳۸۴: ۱۰۹ و پاشایی، ۱۳۸۹: ۳۳ و داوری دولت آبادی، ۱۳۹۵: ۱۱)

## ۷- حافظ شیرازی و محمد علی شمس الدینی لبنانی

محمد علی شمس الدینی از شاعران معاصر لبنانی که توجه ویژه به فرهنگ و شاعران ایران داشته و از اندیشمندان و شاعران عارف ایرانی بسیار تأثیر پذیرفته است. وی ۷۵ غزل از حافظ را ترجمه کرده است. پیشینه روابط و تعاملات فرهنگی ایران و عرب به عنوان ساکنان منطقه‌ای مهم و استراتژیک خاورمیانه به دوران کهن می‌رسد. ایرانیان و قوم عرب قبل از اسلام



به دلیل قرب مکانی و پس از اسلام به سبب آیین پاک محمدی (ص) همواره سرنوشت مشترک و نوعی پیوند و نزدیکی داشته‌اند.

نخستین بار در آغاز عصر نهضت عربی، امین الشواری با ترجمه اشعار حافظ توانست مسیر شعر عربی را تغییر دهد. پس از او محمد علی شمس الدینی توانست با ترجمه اشعار حافظ و تأکید بر اهمیت این اشعار در روزگار ما، سیر شعر عربی را تغییر دهد و آن را به جایگاه صحیح خود برگرداند.

روزی محمد علی شمس الدینی از ایران دیدار کرد و هنگامی که در خیابانهای شیراز قدم می‌زد نگاهش به کتاب کوچکی افتاد با عنوان «سبوی عشق» که بیست صفحه بیشتر نداشت و در پیاده رو خیابان فروخته می‌شد. کتاب شامل اشعاری بود که امام خمینی آن را به عروس خویش (همسر فرزندش احمد) تقدیم کرده بود. آن را خریداری کرد و خواند و آنچه بیش از همه توجه او را جلب کرد تأثیر پذیری بسیار زیاد امام خمینی از حافظ شیرازی و شباهت فراوان اشعار حافظ بود.

سپس شروع به خریدن نسخه‌های دیوان حافظ کرد و از شیراز به بیروت برد. سپس پنج سال متوالی این نسخه‌ها را مقایسه کرد. محمد علی شمس الدینی بیمار شد و در این حال سخت، دیوان حافظ را می‌خواند. او می‌گوید: «ناگهان خویش را در بستر بیماری یافتم که یکی پس از دیگری شعر می‌گفتم که گویی از «موطن الاسرار» می‌جوشند، بدون هیچ مرجع مستقیمی، نوشتم و گویی از درونم می‌جوشید، و می‌توانستم برای اولین بار در این دریای زیبا به شنا پردازم. سپس این حالت تمام شد.» (رضی، ۱۳۸۲، ۱۲۰)

این چنین بود که بعد از گذشت مدتی، شاعر لبنانی محمد علی شمس الدینی دفتر شعری به نام «ممالیک عالیه» را نگاشت و در انتهای آن را با حدود هشت شعر با عنوان «شیرازیات حافظ شیرازی» تقدیم کرد. سپس در سال ۲۰۰۱ بعد از آن، ۷۵ سروده از این شاعر ایرانی را به عربی برگرداند.

خود گوید: «ما در آن اشعار بر جوهر معنای غزل‌های حافظ تکیه کردیم... بویژه ترجمه غزلیات ابراهیم امین الشواری، سپس آن را من به عربی برگرداندم. (عنايه، ۱۴۲۷ ق، ۵)



شعرک یا حافظ دار دوره الحیاه البدایه فیہ دائما و المنتهی سواء  
(نمونه، النور و الفراسه، ص ۱۰۳)

(برای اطلاع بیشتر. ر.ک: هاشم جونی، ۱۳۹۰: ۱۲۴۵)

## ۸- وام واژه‌های فارسی در زبان‌های اروپایی

یکی از عناصر مهم فرهنگی، عنصر زبان و واژه‌ها و ترکیبات زبانی است، بررسی ریشه شناختی وام واژه‌های فارسی دردیگر زبان‌ها، به روشنی بیانگر آن است که دامنه نفوذ و گسترش این دسته از واژه‌ها تنها به زبان‌هایی محدود یا نواحی جغرافیایی خاصی، خلاصه نشده است و ردپای شگفت آور آن را می‌توان در گوشه و کنار جهان و زبان‌های متعدد جستجو کرد. در این باره می‌توان به زبان‌هایی از جمله زبان‌های رایج در قاره اروپا همچون زبان انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، آلمانی، سوئدی، صرب و کروات و... اشاره کرد، که زبان فارسی در آنها نفوذ کرده و تاثیر نهاده است. (ر.ک: آقاگل زاده، ۸۳: ۱۳۸۹). بررسی ریشه شناختی وام واژه‌های فارسی دردیگر زبان‌ها آشکارا بیان کننده دامنه نفوذ و گسترش این واژه‌هاست. زبان‌هایی که هم از حیث شمار و هم از حیث گستره جغرافیایی سخت قابل توجه و تأملند.

سرکاراتی در این باره می‌گوید: « دامنه نفوذ، انتشار و گسترش لغات دخیل ایرانی و فارسی از چنان وسعتی برخوردار است که واقعاً شگفت آور می‌نماید. از برمه و مالزی و چین در شرق گرفته تا مجارستان و فنلاند و بریتانیا در غرب از دشتهای جنوبی روسیه و اقصی نقاط آسیای مرکزی و قفقاز در شمال گرفته تا خلیج بنگال، هند و اندونزی در جنوب هر کجا که می‌رویم، با واژه‌هایی برگرفته و دخیل فارسی برخورد می‌کنیم. شمار زیادی از لغات ایرانی و فارسی در طی قرون و ادوار در زبانهای آرامی، سریانی، عربی، ارمنی، گرجی، ترکی، هندی، چینی، و به طور غیر مستقیم در برخی از زبانهای اروپایی راه یافته‌اند... واژه‌های فارسی که در چهار سوی گیتی پراکنده‌اند، پیک‌های گمنام ولی گویای تمدن زبان و فرهنگ ایرانند و باید درهر کجا که هستند و به هر وسیله‌ای که باشد، آنها را با درایت و دقت





گردآوری کرد و درباره معنی و ریشه آنها به بررسی پرداخت.» (پیشین، ۸۴-۸۵ و نیز: سرکاراتی، ۱۳۷۷: ۲۲)

بر اساس تحقیق‌های انجام شده، در میان کشورهای اروپایی، زبان انگلیسی پذیرای بیشترین تعداد از این واژه‌ها بوده است و در بخش‌های مختلف این تأثیر پذیری دیده می‌شود و به عنوان نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

## الف: گیاهان

شمار جالب توجهی وام واژه‌های اروپایی شامل واژه‌هایی با نام گیاهان و درختان است.

یونجه: اسپست: از جمله واژه‌های قدیمی زبان فارسی است و به گیاهی اطلاق می‌شود که امروزه عمدتاً آن را به واژه ترکی «یونجه» می‌شناسیم. بنابر شواهد متعدد تاریخی این گیاه از دیرباز در ایران وجود داشته و از این ناحیه به شرق و غرب عالم رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۰۷)

اسپست (فارسی میانه: aspast و دراصل به معنی خوراک اسب است: جزء اولی aspa اسب و جزء دوم: esti به معنی خوراک، غذا).

ad مشتق از هندو اروپایی ed. آرامی دخیل: spst سریانی دخیل: spst-pstst

عربی دخیل: اسفست، فصّ، فُصْفَصَه، فُصْفَصَه، فُصْفَصَه. اسپانیایی دخیل alfalfa که از عربی گرفته شده. انگلیسی دخیل alfalfa و اسپانیایی نیر همین است.

نمونه کاربرد قدیم اسپست در متون کهن: «چون اردشیر از پیکار ازدها روی برتافته... اسبش را به آخور بستند و پیشش جو و گاه و اسپست ریختند. (دهخدا)

به استناد جوالیقی (۱۹۵۱: ۱۰۹) و امام شوشتری (۱۳۴۷: ۵۰۱) فصفصه معرب واژه فارسی اسپست است.

کدوقلیانی (خریز)، یاسمن، یاسمن سفید، هلو، درخت هلو، سماق (سماک)، ترخون، لاله و موارد دیگری هستند که وارد زبانهای اروپایی شده اند.

## ب: پوشاک

خفتان فارسی: khaftan، ترکی: qaftan، روسی: kaftan، انگلیسی: caftan.



خفتان در فارسی قدیم نوعی لباس رزم بوده که درون آنها از ابریشم، پنبه و پشم پر می‌شده است.

این واژه در انگلیسی، با معنی اصلی خود در فارسی متفاوت است و در معنای قبا یا لباسهای بلند عربی یا پیراهن راحت و گشاد و بلند زنانه به کار می‌رود.

کژ: (معرب آن قز) نوعی ابریشم درشت و کم بها. گرچه در اصل کلمه انگلیسی gauze اختلاف است اما احتمال آن که از ریشه کژ باشد هست.

و کلماتی مانند پرگاله (percale) نوعی پارچه نخی، شال (shal) در انگلیسی shawl از موارد دیگر است.

### ج: کانی‌ها و سنگ‌ها

کانی مانند ((آرسنیک)) (زرنیخ) که در عربی زرنیق شده. این واژه در زبانهای آلمانی، اسپانیایی، فرانسوی، ایتالیایی، مجاری، لهستانی، سوئی، آلبانیایی، هلندی و چک به شکل‌های مختلف کاربرد دارد.

واژه‌های دیگری مانند سنگ لاجورد، رنگ لاجوردی، بوره، بوراکس و جز آن از جمله واژه‌های مرتبط با سنگ‌ها و کانی‌ها هستند که وارد زبانهای دیگر شده اند.

### د: حکومتی و نظامی

کلماتی مانند ساتراپ (والی، حاکم خودسر، شاه) (انگلیسی: satrap)؛ غداره و شمشیر که در زبانهای اسپانیایی، فرانسوی، ایتالیایی، پرتغالی وارد شده و به کار رفته است. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: آقا گل زاده و...، ۱۳۹۰: ۸۳)

تحقیق یاد شده و تحقیقات از این دست، که به وسیله پژوهشگران عرصه زبان‌شناسی انجام شده، نشان می‌دهد که زبان فارسی و واژه‌ها و ترکیبات آن از عناصر فعال و تاثیرگذار در عرصه زبان‌های جهان است و رد پای واژه‌های این زبان را در اقصا نقاط جهان می‌توان یافت.



## نتیجه گیری

ایران که خاستگاه فرهنگ و تمدن ریشه دار و تاثیرگذاری بوده، پس از ورود اسلام و افزوده شدن شاخصه‌های اسلامی به این فرهنگ انسانی و ارزشی، از فربهی بیشتری برخوردار شد و در قلمرو زبان فارسی، کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی نیز تاثیر نهاد و مورد توجه ملل و زبان‌های گوناگون قرار گرفت. این موضوع باعث شد که از طرق مختلف بویژه از منظر زبان و عنصر زبانی بر تبادل فرهنگی ملل تاثیرگذار باشد. زبان فارسی که از یک سو در بر دارنده پیامهای انسانی و اخلاقی ایران است و از سوی دیگر با پیوند به اسلام از غنای خاصی برخوردار شده است، به وسیله شاهکارهای ادبی و عناصر زبانی توانسته جای پای خود را در زبان و فرهنگ ملل باز کند. شاهکارهای ادبی و شاعران بزرگی چون فردوسی، حافظ و سعدی از جمله مهمترین شاعرانی هستند که در این زمینه نقش داشته‌اند و آثار آنان در آثار ادبی جهان تاثیر بسزایی داشته است.



## منابع و مآخذ

۱. آراین پور، یحیی. (۱۳۷۶). **از صبا تا نیما**، از نیما تا روزگار ما. تهران: زوار.
۲. آذر، اسماعیل. (۱۳۸۷). **ادبیات ایران در ادبیات جهان**. تهران: سخن.
۳. آذران، حسین. (۱۳۸۲). **واژه‌های ایرانی در سوئدی**، تهران، نشر بلخ
۴. آقاگل زاده و حسین داوری. (۱۳۸۷)، «واژه‌هایی به ظاهر دخیل اما اصیل»، **دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، شماره دهم
۵. آقاگل زاده، فردوس و حسین داوری. (۱۳۹۰)، «بررسی موضوعی وام‌واژه‌های فارسی به زبان‌های اروپایی»، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۶. ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۳)، **شعر در ایران پیش از اسلام**، تهران، کتابخانه طهوری
۷. اکرمی، میر جلیل و محمد پاشایی. (۱۳۹۰)، «کارکرد برون‌مرزی شاهنامه (مقایسه رستم و سهراب با کوهلین)»، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۸. امپیس، کریستیان، **واژه‌های ایرانی در زبانهای آلمانی**، ترجمه رضا مدنی، نامه فرهنگ ایرانی، دفتر سوم.
۹. باتلر، ویلیام. (۱۳۸۰)، **کوهلین**، ترجمه مسعود فرزاد، اصفهان، نشر فردا
۱۰. باتیرخان، بولاتیک. (۱۳۹۰)، شباهت‌های فکری بین شاهنامه فردوسی و آثار آبای»، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۱۱. براهنی، رضا. (۱۳۸۰)، **طلا در مس**، تهران، زریاب
۱۲. پاشایی، محمد. (۱۳۸۹)، «مقایسه داستان رستم و سهراب با نمایشنامه کوهلین»، **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال ۴، ش ۱۳
۱۳. پورجعفر، محمد رضا و دیگران. (۱۳۸۴)، «هماندی‌های دو قهرمان اسطوره‌ای در ادبیات حماسی ایران و ادبیات نمایشی ایرلند»، **پژوهش‌های ادبی**، ش ۷
۱۴. توحیدی‌فر، نرجس و دیگران. (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی مفهوم مرگ در شعرهای جانندان و مولانا»، **مطالعات ادبیات تطبیقی**، ش ۴
۱۵. حدیدی، جواد. (۱۳۷۳)، **از سعدی تا آراگون**، تهران، نشر دانشگاهی
۱۶. حسن دوست، محمد. (۱۳۸۳)، **فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی**، تهران، فرهنگستان

۱۷. حسنی، طاهره. (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی اندیشه‌های سعدی و جان دان، **گلبانگ آشنایی**»، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۱۸. حمیدیان، سعید. (۱۳۸۱)، **داستان دگر دیسی**، روند دگرکونی های شعر نیما، نیلوفر
۱۹. داوری، حسین. (۱۳۸۴)، **واژگان فارسی در زبان انگلیسی**، پایان نامه ارشد، تربیت مدرس، تهران
۲۰. داوری دولت‌آبادی و دیگران. (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی رستم و سهراب و نمایشنامه کوهلین با رویکرد روانکاوانه»، **مجله تئاتر**، ش ۶۷
۲۱. درودیان، ولی‌الله. (۱۳۸۰)، **سرچشمه‌های مضامین شعر ایرج میرزا**، تهران، قطره
۲۲. درودیان، ولی‌الله. (۱۳۶۹) **در جست و جوی سرچشمه‌های الهام شاعران**، تهران، چشمه
۲۳. ده بزرگی، محسن. (۱۳۸۶)، **تاریخ ادبیات جهان**، تهران، زوار
۲۴. دهقان، علی و دیگران. (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی عرفان سنایی و جان دان، **مطالعات ادبیات تطبیقی**»، ش ۲۰
۲۵. دیوید سن، اُلگام. (۱۳۸۰)، **ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی**، ترجمه فرهاد عطائی، تهران، فرزانه
۲۶. رضایی، عباسعلی. (۱۳۸۱)، **شعر انگلیسی**، ترجمه فرهاد کولی‌نیا، تهران، سخن
۲۷. رضی، احمد. (۱۳۸۲)، دیوان حافظ، **فصلنامه پژوهش‌های ادبی**، سال اول، ش ۴
۲۸. رییگا، یان. (۱۳۸۳)، **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، سخن
۲۹. ساجدی، طهمورث. (۱۳۸۷)، **از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی**، تهران، امیرکبیر
۳۰. سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۷)، «در باره فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن»، **نامه فرهنگستان**، سال چهارم، شماره اول
۳۱. سعدی (۱۳۸۲)، **کلیات**. تصحیح محمد علی فروغی، تهران، بهزاد
۳۲. شامیان ساروکلاهی، اکبر. (۱۳۹۰)، عوامل فرهنگی مؤثر بر کاربرد تمثیل در شعر معاصر فارسی، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۳۳. شفاء، شجاع‌الدین. (۱۳۳۲)، **ایران در ادبیات جهان**، تهران، ابن‌سینا
۳۴. شمس‌الدینی، محمد علی. (۲۰۰۵)، **شیرازیات**، بیروت، اتحاد‌الکتاب اللبنانین
۳۵. شه‌ور، احمد. (۱۳۸۱)، **تحقیق در افکار و بازتاب جهانی آثار حکیم خیام نیشابوری**، تهران، نشر همراه



۳۶. صفا، ذبیح اله. (۱۳۷۸)، **تاریخ ادبیات ایران**، ج ۳ چاپ دهم، فردوس
۳۷. صورتگر، لطفعلی. (۱۳۷۳)، **سیری در ادبیات انگلیسی**، چاپ دوم، تهران، امیر کبیر
۳۸. عطاردی، عزیزاله. (۱۳۷۴)، **اللغات الفارسیه فی تاج العروس**، تهران، نشر عطارد
۳۹. غنیمی هلال، محمد. (۱۳۷۳)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه و تحشیه مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، امیرکبیر
۴۰. فلکی، محمود. (۱۳۷۳)، **نگاهی به نیما**، تهران، مروارید
۴۱. کازرونی، سید احمد. (۱۳۸۴)، **گلستان سعدی**، تهران، زوار
۴۲. کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۳) «**اقتراح خلاق**»، ترجمه مسعود جعفری»، فصلنامه هنر، شماره ۶۰
۴۳. کریمی حکاک، احمد. (۱۳۸۴)، **طلیعه تجدد در شعر فارسی**، ترجمه مسعود جعفری، تهران، مروارید
۴۴. کمال الدین، سید محمد بافر و دیگران. (۱۳۹۶)، «تاثیر شاهنامه بر ادبیات مردم قزاقستان، **فصلنامه پژوهش های ادبیات تطبیقی زبان و ادبیات ملل**»، سال ۳، ش ۸، تابستان
۴۵. معبودی، زهرا. (۱۳۸۵)، **جامعه شناسی در آثار سعدی**، تهران، تیرگان
۴۶. موسیج، الویر. (۱۳۹۰)، **تأثیر زبان فارسی بر زبان بوسنیایی**، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۴۷. میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷)، **صد سال داستان نویسی ایران**، تهران، نشر مرکز
۴۸. میرفضالیان، احمد. (۱۳۸۵)، **واژگان فارسی در انگلیسی**، تهران، امیر کبیر
۴۹. ناظر زاده کرمانی، فرهاد. (۱۳۷۱)، **پیدایش ادبیات نمایشی نو در ایرلند**، تهران، برگ
۵۰. ندا، طه. (۱۳۸۰)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه زهرا خسروی، تهران، نشر پژوهش فروزان فر
۵۱. وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۰)، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۵۲. هاشم جونئی، رنا. (۱۳۹۰)، **تأثیر اشعار و فکر حافظ بر شعر محمد علی شمس الدینی**، **گلبانگ آشنایی**، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی
۵۳. هنری، ویلیام. (۱۳۸۳)، **انواع ادبی در ایران امروز**، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، قطره
۵۴. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۳)، **چشمه روشن**، تهران، علمی
۵۵. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۷)، **گلستان سعدی**، تهران، خوارزمی



۵۶. یوهان، ولف گانگ گوته. (۲۰۰۶)، **النور و الفراسه**، خدمه للعریبه، عبدالغفار مكاوى، بغداد،

منشورات الجمل

Sokhanvar, Jalal A: Compendious Histoty of English literature,1 Sted ,  
Tehran:Eshtiagh e Noor,2006.

Gobineau, J: Oeuvres, Paris: Gallimard, 1993.

Guyard,M.F: La Litte rapture Compare e,Paris,1989.

Langle s, L: Contes,Fables, Analyse de Ferdoussy,Paris,1788.

Schwab,R: La Renaissance Oriental,Paris: Payot,1959.

Buturović, Đenana: Usmena epika Bošnjaka, Sarajevo: KDB IP Preporod, 1995.

Dizdar, Mak: Kameni spavač;Sarajevo Sarajevopiredio Enes Duraković; Sarajevo:  
Sarajevo Publishing , 1996.

Imamović, Enver (prof.dr): korijeni kulturno– vjerskih odnosa Bosne I  
Hercegovine i Irana; Bosna i svijet; Sarajevo: Institut za istoriju , 1996.

Purivatra, Atif: Nacionalni I politički razvitak Muslimana; Sarajevo: Svjetlost, 1970.

Smailović, Ismet: Muslimanska imena orijentalnog porijekla u Bosni I  
Hercergovini; II izdanje; Sarajevo: El-Kalem, 1990.

Stefanović Karadžić, Vuk: Srpski rječnik; Beograd: Nolit, 1969.

Škaljic, Abdullah: Turcizmi u srpskohrvatskom jeziku;  
Sarajevo:Svjetlost, Biblioteka kulturno naslijeđe, 1966.

